

عبادت در سبک زندگی اسلامی

چشم بیدار علی علیه السلام

اشاره

با توجه به جایگاه والای عبادت و شب‌زنده‌داری در اسلام و تأثیر آن بر رشد و سازندگی انسان، در این مقاله بر آنیم تا پس از بیان مطالبی پیرامون اهمیت شب‌زنده‌داری، گوشه‌هایی از عبادات امیرالمؤمنین علی علیه السلام را با تأکید بر شب‌زنده‌داری‌های ایشان بازگو کنیم تا از یک سو در سالگرد شهادت آن اسوه خوبان، این فضیلت بی‌بدیل آن حضرت یادآوری شود، از سوی دیگر در این عصر پر هیاهوی غفلت و دوری از خدا و رقابت بر سر دنیا، تلنگری برای هشیاری و توجه هر چه بیشتر ما به سوی عبادت، بندگی و خلوت با پروردگار باشد.

۱. قرآن و شب‌زنده‌داری‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام

پرداختن به شب‌زنده‌داری، یعنی عبادت در نیمه دوم شب با نماز شب، تلاوت قرآن، دعا و مناجات، ذکر و سجده و استغفار، فرصتی بسیار مغتنم برای خلوت با معبود و پیوستن به اوست:

سحر با باد می‌گفتم حدیث آرزومندی

خطاب آمد که واثق شو به الطاف خداوندی

دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است

بدین راه و روش می‌رو که با دلدار پیوندی^۱

۱. شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی؛ دیوان حافظ؛ غزل شماره ۴۴۰.

بر این اساس مردان خدا با راز و نیاز شبانه و خلوت سحر، انسی دیرینه داشته و حاجت‌های معنوی و مادی خود را در آن حالات ملکوتی از پروردگار می‌طلبیده و به او تقرب می‌جسته‌اند؛ و هم‌چنانکه حافظ می‌گوید:

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ

از یمن دعای شب و ورد سحری بود^۱

آیات متعددی در قرآن کریم، بیانگر اهمیت شب‌زنده‌داری است که خطاب برخی از آنها نیز به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. خداوند متعال از همان آغاز نزول وحی بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایشان را با خطاب «يَا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ»: ^۲ «ای جامه به خود پیچیده!» به قیام و احیای نیمی از شب با عبادت و تلاوت قرآن، فرمان می‌دهد که این مسئله گویای اهمیت شب‌زنده‌داری است و نشان می‌دهد موفقیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ادای امر بسیار سنگین و خطیر رسالت، منوط به ارتباط مستمر و مستحکم شبانه با خداوند بوده است. در آیه دیگری، شرط رسیدن پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مقام محمود را تَهَجُّد (شب‌زنده‌داری) بخشی از شب بیان کرده است: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا». ^۳ مقام محمود، یعنی مقام ستایش شده که بر طبق تفاسیر، همان مقام شفاعت امت^۴ و بالاترین مقام قابل تصور برای بشر است. این آیه نیز به تنهایی در بیان اهمیت شب‌زنده‌داری بس است؛ چرا که نشان می‌دهد انسان با شب‌زنده‌داری نه تنها نجات می‌یابد؛ بلکه به مقامی می‌رسد که می‌تواند دست دیگران را نیز بگیرد و در نجات آنان واسطه شود.

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام همان‌گونه که پیش از همه به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایمان آورد و در کنار آن حضرت به نماز ایستاد، پیش از همه و از همان ایام نوجوانی نیز به نماز شب و شب‌زنده‌داری برخاست. در آیه پایانی سوره مزمل که یک سال بعد از آیات نخستین

۱. شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی؛ دیوان حافظ؛ غزل شماره ۲۱۶.

۲. مزمل: ۱.

۳. اسراء: ۷۹؛ نیز ر.ک: آل عمران: ۱۱۳: «يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَ هُمْ يَسْجُدُونَ».

۴. محمد بن مسعود عیاشی؛ تفسیر العیاشی؛ ج ۲، ص ۳۱۴؛ شیخ طوسی؛ الأمالی؛ ص ۴۵۵.

آن نازل شده^۱، این حقیقت آمده است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و طایفه‌ای از اصحاب، به او امر خداوند در آیات نخستین آن سوره مبنی بر قیام شبانه، جامه عمل می‌پوشاندند و بخش قابل توجهی از شب را - که به طور متوسط نیمی از آن بود - به عبادت بر می‌خاستند: «إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثَيِّ اللَّيْلِ وَ نِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ وَ طَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ»^۲ «پروردگارت می‌داند که تو و طایفه‌ای از کسانی که با تو آندی، نزدیک به دو سوم و نصف و یک سوم شب را بر می‌خیزی». حال سؤال این است که این طایفه که از همان ابتدای مبعث، نه تنها به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایمان آورده‌اند؛ بلکه در شب‌زنده‌داری هم با ایشان همراهی می‌کرده‌اند، چه کسانی بوده‌اند؟ طبیعی است که چون این واقعه به ابتدای بعثت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ایام دعوت سَری و غیر علنی آن حضرت باز می‌گردد، تعداد این طایفه نیز باید انگشت‌شمار باشد. در گزارشی از ابن عباس این طایفه به علی عَلَيْهِ السَّلَام و ابوذر تفسیر شده‌اند^۳ و در خبر دیگر از ابن عباس چنین آمده است: «نخستین کسی که با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نماز گزارد و نخستین کسی که با او به نماز شب برخاست، علی عَلَيْهِ السَّلَام بود»^۴.

قرآن کریم پس از بیان حال انسان ناسپاس، در وصف انسان شکرگزار و دانا می‌فرماید: «أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَ قَائِمًا يُحْذِرُ الْآخِرَةَ وَ يُرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ»^۵ [آیا چنین کسی بهتر است] یا آنکه در طول شب با حال سجده و قیام، فرمانبردار است؛ از آخرت می‌ترسد و به رحمت پروردگارش امید دارد؟». امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام مراد از فرمانبرداری در ساعات شب یا سجده و قیام را در این آیه، نماز شب دانسته است.^۶ در تفسیر قمی نیز آمده است: «این آیه در شأن امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام نازل شده

۱. ر.ک: عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی؛ الدر المشهور؛ ج ۶، ص ۲۸۰.

۲. مزمل: ۲۰.

۳. عبیدالله بن عبدالله حسکانی؛ شواهد التنزیل؛ ج ۲، ص ۳۸۷، ح ۱۰۳۶.

۴. همان؛ ح ۱۰۳۷.

۵. زمر: ۹.

۶. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۳، ۴۴۴، ح ۱۱.

است»^۱.

۲. ناله‌های زندانی خاک!

نُوف بکالی که از شیفتگان و ارادتمندان امیرالمؤمنین علیه السلام بود، این توفیق را یافت که شبی در نزد آن حضرت بماند و حکایت آن شب امام را برای دیگران گزارش کند. وی در این باره می‌گوید:

شبی نزد امیرالمؤمنین علی علیه السلام ماندم. پس همه شب را نماز می‌خواند^۲ و هر از چند گاهی [از خانه یا اتاق خود] خارج می‌شد و به آسمان می‌نگریست و قرآن می‌خواند. پس از آرامش شب به من گفت: ای نوف! خوابی یا بیدار؟! گفتم: بیدارم یا امیرالمؤمنین! با چشم شما را می‌بینم. فرمود: «طُوبَى لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا وَ الرَّاٰغِبِينَ فِي الْآخِرَةِ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ اتَّخَذُوا الْاَرْضَ بَسَاطًا وَ تُرَابَهَا فِرَاشًا وَ مَاءَهَا طِيْبًا وَ الْقُرْآنَ دِيَارًا وَ الدُّعَاءَ شِعَارًا وَ قُرْضُوا مِنَ الدُّنْيَا تَقْرِيبًا عَلٰى مِنْهَاجِ عِيْسٰى ابْنِ مَرْيَمَ علیه السلام»^۳ «ای نوف! خوشا به حال کسانی که دل از این دنیا گسستند و به آخرت دل بستند. آنان کسانی هستند که زمین را زیرانداز خود و خاکش را بستر خود و آبش را شربت خوشگوار خود و قرآن را جامه روپوش خود و دعا را جامه زیرین خود قرار داده‌اند و به شیوه عیسی بن مریم علیه السلام از دنیا بریده شده‌اند».

بنا بر این روایت، آنچه که انسان را از توجه به آخرت و انس با عبادت پروردگار و راز و نیاز شبانه باز می‌دارد، دلبستگی به دنیا و لذت‌های زودگذر آن است. این حقیقت به همراه گزارش شب‌زنده‌داری‌های امیرالمؤمنین علیه السلام در روایات دیگر هم بازگو شده است؛ برای مثال ضِرَار بن صَمْرَةَ نَهْشَلِي یکی از شیفتگان آن حضرت بود که روزی بر معاویه وارد شد. معاویه به او گفت: علی را برایم توصیف کن. ضرار تقاضا کرد او را از این کار معاف بدارد، ولی معاویه بر خواسته خود پافشاری کرد. ضرار ابتدا مقداری از صمیمیت و محبت و بی‌پیرایگی امیرالمؤمنین علیه السلام و هیبت

۱. علی بن ابراهیم قمی؛ تفسیر القمی؛ ج ۲، ۲۴۶.

۲. مراد از نماز خواندن همه شب، این نیست که آن حضرت هیچ استراحت نمی‌کرد؛ بلکه مراد این است که استراحت آن حضرت کم بود؛ به گونه‌ای که در برابر عبادت آن حضرت به چشم نمی‌آمد.

۳. شیخ صدوق؛ الخصال؛ ج ۱، ص ۳۳۷؛ شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ ص ۴۸۶.

ایشان سخن گفت و خاموش شد؛ اما معاویه به این مقدار راضی نشد و گفت: او را بیشتر برایم توصیف کن. ضرار دوباره گفت:

رَحِمَ اللَّهُ عَلِيًّا كَانَ وَاللَّهِ طَوِيلَ السَّهَادِ قَلِيلَ الرُّقَادِ، يَتْلُو كِتَابَ اللَّهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ وَيَجُودُ لِلَّهِ بِمُهْجَتِهِ وَيَبُوءُ إِلَيْهِ بِعَبْرَتِهِ...: خدا علی را رحمت کند! به خدا قسم بیداری اش طولانی و خوابش اندک بود، کتاب خدا را در لحظات شب و کناره‌های روز تلاوت می‌کرد و خون دلش را در راه خدا نثار می‌کرد و با اشکش به سوی او باز می‌گشت.

سپس در ادامه گفت:

[هم‌چون پادشاهان عالم در سراپرده‌هایش نمی‌ماند و] خود را از ما پوشیده نمی‌داشت و همیان‌ها [ی پول] را از ما [پنهان نمی‌کرد و برای خود] نمی‌اندوخت، به دنبال تکیه به چیزهای نرم نبود و چیزهای زیر و سفت را خشن نمی‌شمرد. کاش او را می‌دیدید هنگامی که در محرابش ایستاده بود، در حالی که شب پرده تاریکی اش را افکنده بود و ستارگانش پنهان شده بودند، او محاسنش را به دست گرفته بود و «يَتَمَلَّمُ تَمَلُّمَ السَّلِيمِ وَيَبْكِي بُكَاءَ الْحَزِينِ»: «هم‌چون مارگزیده‌ای به خود می‌پیچید و بسان گریه شخص اندوهگین می‌گریست» و می‌گفت: «يَا دُنْيَا إِلَيَّ تَعَرَّضْتِ أَمْ إِلَيَّ تَشَوَّقْتِ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ، لَا حَاجَةَ لِي فِيكَ أَبْنُوكِ ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ لِي عَلَيْكَ ثُمَّ وَاهِ وَاهِ لِيُعْدِ السَّفَرِ وَقِلَّةِ الرِّزَادِ وَخُسُونَةِ الطَّرِيقِ»: «ای دنیا! آیا متعرض من شده‌ای یا مشتاق من شده‌ای؟! هیهات! هیهات! مرا به تو نیازی نیست؛ تو را سه طلاقه کرده‌ام و بازگشتی بر تو ندارم. وای! وای! از درازی سفر و کمی توشه و سختی راه». معاویه گریست و گفت: ضرار بس است. به خدا سوگند! علی این چنین بود. خدا ابوالحسن را رحمت کند.^۱

کم‌خوابی و شب‌زنده‌داری طولانی، تلاوت شبانه قرآن و گفتگو با دنیا و ترس از فریب آن، از اموری است که در این روایت به روشنی بازگو شده است و کسی را سراغ نداریم که دنیا و زینت‌های آن این چنین به او رو کرده باشد و او این‌گونه به آنها پشت کند و دنیا را با همه زیبایی‌ها و لذت‌های فریبنده‌اش کوچک شمارد.

۱. شیخ طوسی؛ الأمالی؛ ص ۶۲۴-۶۲۵؛ سبط بن جوزی؛ تذکرة الخواص؛ ص ۱۱۲.

طبیعتاً کسی می‌تواند چنین به دنیا بی‌اعتنا باشد که آن‌چنان با پروردگار خود انس و راز و نیاز شبانه داشته باشد.

علی آن شیر خدا، شاه عرب
شب ز اسرار علی آگاه است
شب شنفته است مناجات علی
قلعه‌بانی که به قصر افلاک
اشک‌باری که چو شمع بیدار
دردمندی که چو لب بگشاید
کلماتی چو در آویزه گوش
فجر تا سینه آفاق شکافت

الفتی داشته با این دل شب
دل شب محرم سرّ الله است
جوشش چشمه عشق ازلی
سر دهد ناله زندانی خاک
می‌فشاند زر و می‌گرید زار
در و دیوار به زنه‌ار آید
مسجد کوفه هنوزش مدهوش
چشم بیدار علی خفته نیافت^۱

۳. عابد خستگی‌ناپذیر

امیرالمؤمنین علیه السلام، مجاهدی نستوه و عابدی خستگی‌ناپذیر بود که در راه عشق معبود، همه رنج‌ها و سختی‌ها را به جان خرید و در راه بندگی او، ذره‌ای از مجاهدت و تلاش فروگذار نکرد. ابن ابی‌الحدید معتزلی - شارح نهج‌البلاغه - درباره عبادت امام می‌گوید:

عابدترین مردم بود و بیش از همه نماز و روزه به جا می‌آورد. مردم نماز شب و ملازمت بر او را و برخاستن برای نافله [شب] را از او آموختند. چه گمان می‌بری به مردی که محافظت بر ذکر خدایش به حدی بود که در لیلۃ الهمیر در میان دو صف کارزار، برایش پوستینی پهن کردند و بر آن نماز خواند؛ در حالی که تیرها روبه‌رویش می‌افتاد و چپ و راست از کنار گوشش می‌گذشت و از آن نمی‌هراسید و تا از وظیفه‌اش فارغ نشد، برنخاست. گمان تو چیست به مردی که پیشانی‌اش به سبب طول سجده، هم‌چون پینه زانوی شتر بود.^۲

در همان زمان امیرالمؤمنین علیه السلام، کسانی بودند که نه تنها با عبادت و مناجات میانه‌ای

1. <https://hawzah.net/fa/goharenab/View/16303>

۲. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی‌الحدید؛ شرح نهج‌البلاغه؛ ج ۱؛ ص ۲۷.

نداشتند؛ بلکه حتی دیگران را هم بر این کار سرزنش می‌کردند. زمانی اشعث بن قیس، آن منافق کوردل بر او وارد شد و آن حضرت را در حال نماز یافت. با تعجب و با زبانی سرزنش آلود پرسید: آیا هم در شب و هم در روز بی‌وقفه تلاش می‌کنند؟! پس چون امیرالمؤمنین علیه السلام از نماز فارغ شد، اشعاری زیبا خواند که مضمون آن سفارش به صبر و عاقبت خوش صبر بود که همان رسیدن به کامیابی و پیروزی است.^۱

زبان امیرالمؤمنین علیه السلام پیوسته به یاد خدا و مدح و ثنای او مترنم بود و هیچ چیز او را از شکر نعمت‌های بی‌کران پروردگار و ستایش او باز نمی‌داشت. امام صادق علیه السلام فرمود: «كَانَ أَكْثَرَ كَلَامٍ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْحَمْدُ لِلَّهِ»^۲: «بیشترین کلام علی علیه السلام الحمد لله بود». امیرالمؤمنین علیه السلام هم در درون خانه و هم در بیرون خانه و مسجد، جایگاه خاصی برای عبادت داشت و در منزل یکی از اتاق‌های خانه‌اش را عبادتگاه (مصلا) قرار داده بود و در آخر شب در آنجا به نماز می‌ایستاد.^۳ آن حضرت هم‌چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد جایگاه خاصی برای عبادت داشت^۴ که علی القاعده برای عبادات مستحبی هم‌چون اعتکاف و نماز شب و جز آن در آنجا با خدای خود خلوت می‌کرد.

عروة بن زبیر می‌گوید:

در مسجد رسول‌خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودیم که اعمال اهل بدر و بیعت رضوان را یاد کردیم. ابودردا [از صحابه رسول‌خدا صلی الله علیه و آله] گفت: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَقَلِّ الْقَوْمِ مَالًا وَ

۱. سبط بن جوزی؛ تذکرة الخواص؛ ص ۱۱۱-۱۱۲. ترجمه اشعار: «بر اندوه حرکت در وقت سحر و برای رفتن هم‌چون صاحبان حاجت در بامداد، صبر کن. عاجز مشو و طلب آن تو را ملول نسازد که هلاکت ما بین عجز و آزرده‌گی است. من دیدم و در ایام تجربه است که صبر، سرانجام پسندیده‌ای دارد. کم است کسی که به امید چیزی جدیت کند و جامه صبر را بر تن بپوشد، مگر اینکه به پیروزی نائل می‌شود».

۲. دمشق‌ی باعونی؛ جواهر المطالب؛ ج ۱، ص ۲۶۹؛ محب‌الدین طبری؛ الریاض النضره؛ ج ۳، ص ۲۰۷.

۳. ر.ک: عبدالله بن جعفر حمیری؛ قرب الإسناد؛ ص ۱۶۱؛ احمد بن محمد برقی؛ المحاسن؛ ج ۲، ص ۶۱۲.

۴. محب‌الدین طبری؛ ذخائر العقبی؛ ص ۱۰۲.

أَكْثَرِهِمْ وَرِعًا وَأَشَدَّهُمْ اجْتِهَادًا فِي الْعِبَادَةِ»: «آیا شما را از کسی از این قوم با خبر کنم که کمترین مال و بیشترین ورع و سخت‌ترین کوشش در عبادت را داشت؟» گفتند: او کیست؟ گفت: «علی بن ابی‌طالب». عده‌ای از اهل آن مجلس [که حبّ علی را در دل نداشتند] با شنیدن این سخن [چهره در هم کشیدند و] از او روی برگرداندند. مردی از انصار نیز به او گفت: ای عُوَیْمِر! سخنی بر زبان راندی که احدی با تو در آن موافقت نکرد. ابودردا گفت: ای قوم! من آنچه را خود دیده‌ام، می‌گویم و هر یک از شما هم آنچه را دیده، بگوید. سپس داستانی از مناجات و گریه شبانه امیرالمؤمنین علیه السلام را بازگو می‌کند که خود شاهد آن بوده است. پس از آن می‌گوید: «به خدا سوگند من چنین حالی را برای هیچ یک از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله ندیدم».^۲

۴. نگرانی از واپس‌گرایی جامعه اسلامی

امیرالمؤمنین علیه السلام از جمله عابدان خدا ترسی بود که در اطراف پیامبر صلی الله علیه و آله جمع شده بودند و شبانگاهان را به سجده و قیام می‌گذراندند و وجودشان از خوف و خشیت حضرت حق، لبریز بود. امام زین‌العابدین علیه السلام فرمود: «امیرالمؤمنین علیه السلام نماز صبح را به جا آورد و در جای خود نشسته بود تا خورشید به اندازه یک سر نیزه بالا آمد [یعنی آفتاب به اندازه یک سر نیزه بر دیوار مسجد افتاد]. آن‌گاه به مردم رو کرد و فرمود: وَاللَّهِ لَقَدْ أَدْرَكْتُ أَقْوَامًا «يَبِيْثُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا»^۳ يُخَالِفُونَ بَيْنَ جِبَاهِهِمْ وَرُكْبِهِمْ كَأَنَّ زَفِيرَ النَّارِ فِي آذَانِهِمْ إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ عِنْدَهُمْ مَا دُوا كَمَا يَمِيْدُ الشَّجَرُ كَأَنَّمَا الْقَوْمُ بَاتُوا غَافِلِينَ: به خدا سوگند، اقوامی را درک کردم که شبانگاهان را برای پروردگارشان در حال سجده و قیام سپری می‌کردند. پیشانی‌ها و زانوهایشان را پیایی بر زمین می‌نهادند؛ گویا صدای نعره آتش در گوش‌هایشان بود. هنگامی که خدا نزدشان

۱. عویمر، لقب ابودردا بوده است. ابودردا عویمر بن مالک انصاری (م ۳۲ ق) از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است.

۲. شیخ طوسی؛ *الأمالی*؛ ص ۷۷-۷۹.

۳. فرقان: ۶۴.

یاد می‌شد، هم‌چون لرزش شاخه درخت [با وزش باد] می‌لرزیدند. [اما امروز] گویا این قوم شب را در غفلت سپری می‌کنند.
امام سجاد علیه السلام در پایان فرمود:

«ثُمَّ قَامَ فَمَا رُئِيَ صَاحِبًا حَتَّى قُبِضَ»^۱: «آن‌گاه امیرالمؤمنین علیه السلام از جای برخاست و تا هنگام قبض روح، کسی ایشان را خندان ندید».

بدون شک امیرالمؤمنین علیه السلام، سرآمد آن جمع خداترس بوده که در این راه ثابت‌قدم مانده بود و بقیه آنان به تدریج با شهادت یا مرگ طبیعی به دیدار معبود شتافته بودند. اندوه و شکوه آن امام راستین در واپسین روزهای حیات مبارکش، از این بود که چرا جامعه اسلامی پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافت، این‌چنین دچار واپس‌گرایی و انحطاط شده است که پس از گذشت دو سه دهه از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، در میان مسلمانان دیگر آن‌چنان جمع‌های خداترسی یافت نمی‌شود و غفلت از یاد خدا، سکه رایج در جامعه شده است؛ به حدی که حتی نفس مسیحایی امیرالمؤمنین علیه السلام در مدت نه چندان طولانی خلافت خویش نیز نتوانست وجدان‌های خفته مسلمانان را بیدار کند و جامعه اسلامی را به همان دوران پیامبر صلی الله علیه و آله برگرداند.

متأسفانه باید اعتراف کنیم که جامعه امروز ما نیز وضعیت مشابهی با جامعه صدر اسلام دارد؛ چرا که در نسل اول انقلاب، جوانان خداترس و جهادگر به وفور یافت می‌شدند؛ ولی متأسفانه پس از گذشت یک دهه از انقلاب، در میان نسل‌های بعدی خداترسی و ایمان و تقوا، جای خود را به زرق و برق‌ها و تجملات و لذت‌های زودگذر دنیا داد و حرص بر دنیا و خواسته‌های زودگذر آن، سکه رایج در جامعه امروز شد.

اینها گوشه‌هایی از عبادت‌ها و شب‌زنده‌داری‌های امیرالمؤمنین علیه السلام بود. بی‌شک امروز نیز هم‌چون هر زمان دیگر، امیرالمؤمنین علیه السلام بهترین الگوی زندگی و بندگی برای هر انسان آزاده است؛ یعنی کسانی که می‌خواهند از قید بندگی دنیا آزاد و رها باشند و جز به معبود حقیقی خویش دل نبندند.

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۲، ص ۲۳۶. مشابه این حکایت از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است.